

جنبش آوارگان جنگ

یکی از نتایج این جنگ ارتجاعی آوارگی دهها هزار توده زحمتکش میباشد. توده هایی که خانه و کاشانه خود را از دست داده، در بدترین شرایط و تحت خفقان شدید بسر میبرند. اما آنها که میدانند اوضاع فلاکت بار آنان ناشی از جنگ ارتجاعی و حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی می - بقیه در صفحه ۲

سرمقاله جنبش آوارگان و خواستهای آوارگان

خواست بحق را در منطقه خفه کنند، کمکهای ارسالی مردم مناطق مختلف را به شما فروختند و... این اقدامات ناشی از ماهیت رژیم حاکم است. رژیمیکه فلاکت را برای شما به ارمغان آورده طبیعی است که به شما اشتهام بزنند. اما این اوضاع فلاکت بار، بیش از پیش بقیه در صفحه ۲

توده های جنگ زده و آواره! جنگ ارتجاعی ایران و عراق برای شما شمره ای جز آوارگی، بیکاری، گرسنگی و کشتار رزندیکانتان نداشته است. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که یکی از مسببین این جنگ است از همان ابتدا بر علیه شما به انواع فشارها و تهدیدات دست زد. رژیم "حامی مستضعفین"، شما را "فدا انقلاب" خواند، آخوندهای مرتجع فتوی دادند که "با آنها معامله نکنید"، "به آنها مسکن ندهید"، اما مجمع شهرهای مختلف به شما توهین کردند بمیان شما جاسوس فرستادند تا هرگونه اعتراض



کمک به آوارگان یا پر کردن جیب مفتخواران!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علاوه بر تحمیل جنگ ارتجاعی و مصادف مشکلات ناشی از آن بر توده ها با تکیه به توهم و ناآگاهی بخشی از مردم و اگردنشد با زور و فشار و تهدید به اخراج میگوید تا قسمتی از دستمزدها و حقوقها را تحت عنوان کمک به جنگزدگان و آوارگان خوزستانی بدزدد.

بقیه در صفحه ۳

تبریک به امام یا مبارزه با رژیم

در مجلس ختم سربا زیکه در جبهه جنگ کشته شده بود، عوامل رژیم و فاولانژها سعی میکردند با جملاتی مانند "شما با گریه تان شخصیت شهید را از زمین میبرید"، "گریه نکنید، شادی کنید" و... آب بروی آتش خشم عزاداران بپاشند. اما فریاد ما در سربا زحرفهای آنها را قطع کرد: "بسی غیرتها بجه امرا به کشتن دادید"، "ما نمایی خواستیم شهید بدیم، او را بزرور بردند و...". عوامل رژیم تمام درود و یاو را محله را با پلاکاردها - بی با جملات: "تبریک پدر و مادر شهید به اما ما منت و... پر کرده بودند و بدین ترتیب میکوشیدند تا روحیه خشمگین خانواده سربا ز را تسکین دهند و در مجلس ختم نیز سعی میکردند تا مجلس ختم به مجلس اعتراض تبدیل شود. اما در جریان عزاداری زنی در میان شعارهای فاولانژها، با صدای بلند شعار سرنوشتی رژیم را میداد که عده زیادی این شعار را تکرار میکنند بقیه در صفحه ۳

جنگ توهم توده ها را میریزد!

گزارشی از یک خانواده زحمتکش جنوب تهران
۲۲ نفر هستند که در ۱۲ اتاق زندگی میکنند بیشترشان افراد فامیلشان هستند که از جنوب آمده اند. این خانواده بسیار مذهبی هستند و از بقیه در صفحه ۳

پای صحبت یک سرباز

"آزوقتی جنم با زکرده ام جز فقر و فلاکت ندیده ام. کمی که بزرگتر شدم پدرم بخاطر نیاز مرا به "نوگری" فرستاد، بعدها در یک کارگاه حلبی بازی کار میکردم. برادرم کارگر دواب بقیه در صفحه ۴

رژیم در مورد تعداد تلفات جنگ دروغ میگوید

سوسنگرد ۲۷ آبان ۵۹ *

تعداد ۴۰۰۰ جنازه به بیمارستان شماره ۱ جندی شاپور اهواز منتقل شدند. از کشته شدگان بیشترشان سرباز بودند و تعدادی با اسلحه و "بسیجی" که از مشهد آمده بودند. جنازه ۳ سرباز عراقی نیز بین جسد ها قرار داشت. در همان روز، جسد مدفن را به تهران فرستادند. رژیم جمهوری اسلامی فردای آنروز، تعداد کشته شدگان سوسنگرد را و قبحا تفعه نفر اعلام کرد. یکی از مسئولین بیمارستان که وقایع را در "مکتب" سردمداران رژیم خوب آموخته است میگوید که نمیتوانم در ادیوتلو بیژن اعلام کنم "۴۰۰ نفر کشته شده" چرا که روحیه ها ضعیف میشود. اینها را می فرستیم به محلات خودشان آن موقع تعداد کمتر میشود و اعلامش اشکال ایجاد نمیکند.

برای ارتجاع توده ها فقط "گوشت دم توپ" هستند مرگشان برای آنها مسئولیتی ایجاد نمیکند، توده های متوهم دیگری هستند که جای آنها را بگیرند ولی آیا این امر دوا می خواهد داشت؟ تاریخ میگوید: نه!

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله جنبش ...

اعتراضات و مبارزات شما را بحق علیه این جنگ ارتجاعی رژیم ضد مردمی گسترش داده است توده های مبارز آواره خواستهای خود را حول شعارهای زیر گسترش داده و علیه رژیم ارتجاعی حاکم، مبارزه انقلابی خود را به پیش ببرید:

- ۱- شورا های واقعی، میان آوارگان، ایجاد باید کرد!
- ۲- مسکن برای آوارگان، ایجاد باید کرد!
- ۳- هزینه زندگی تا موقع بیکاری، برای آوارگان، پرداخت باید کرد!
- ۴- کمکهای ارسالی، برای آوارگان، بصورت مستقیم، ارسال باید کرد!
- ۵- اخشناق و خققان، میان آوارگان افتاباید کرد!

۶- ستاد تبلیغاتی، میان آوارگان، ایجاد باید کرد!

ما و سایر نیروهای کمونیستی وظیفه خود میدانیم از این جنبش اعتراضی شما بطور همه جانبه حمایت و پشتیبانی کنیم. کمونیستها و نیروهای انقلابی! با بردن

بقیه از صفحه ۱ جنبش ...
باشد. بیش از پیش اعتراضات و مبارزات خود را علیه جنگ و رژیم گسترش میدهند. در شماره های قبل ما با بارها جنبشهای آوارگان را مطرح کرده و پشتیبانی خود را از آن اعلام کردیم. در اینجا نمونه های دیگری از مبارزات آوارگان را درج می کنیم.

● بندرماهشهر - کمپ B

روز ۵۹/۸/۲۱ وقتی آوارگان برای گرفتن غذا در صفهای طولانی می ایستند بعد از مدتی می بینند که خبری از غذا نیست شروع به شعار دادن میکنند. پاسداران ارتجاع که از شعار دادن مردم ترسیده بودند به زحمتکشان میگویند "اگر متفرق نشوید، دستگیرتان می کنیم". که این حرف موجب خشم بیشتر آنان میگردد.

در روز ۵۹/۸/۲۲ بدنبال بی توجهی رژیم به خواسته های آنان و ندادن غذا، مردم به مسجدی که دوش از روحانیون مسئول در آن بودند، رفته و از آنها جواب میخواهند. یکی از آخوندها میگوید: "اینجا پشت جبهه است و ما باید اینجا را تخلیه کنیم و یک هفته به شما مهلت میدهم که اینجا را خالی کنید" و دیگری هم بدنبال حرف اولی را گرفته و میگوید: "زمانی غذا به شما میدهم که اولین ماشین برز مسافر بطرف جیرفت و جاهای دیگر حرکت کند، تازه بعد از یک هفته هر کسی رفت که هیچ و آنها بی که می مانند، دستگیرند، ستون پنجم هستند و با زور سر نیزه از اینجا بیرونشان می کنیم". و از طرف دیگری از "برادران" خود را برای سخنرانی به کمپ میفرستند که این مزدور هم با مطرح کردن مسئله هجرت حضرت محمد و اینکه هجرت ثواب دارد و اینکه آوارگان باید اینجا را خالی کنند سعی در فریب توده ها و به هرزگشتن مبارزه آنان داشت و میگوید اینکه میگویند به جنگ زده ها در شهرها انت میشوند من قسم میخورم که دروغ است و این حرفها را ستون پنجم شایع میزند اما توده های آواره با آوردن نمونه های سرکوب آوارگان از طرف رژیم مانند واقعه هجراغ و حرفهای خامنه ای و دستفیب، ما هیت ارتجاعی حرفهای این مزدور را افشا میکردند. این "برادر" مزدور در پایان حرفهایش از زور حضرت عالی برای مردم گفت و از آنان خواست محل را تخلیه نمایند.

سخنرانی مزدور رژیم خشم زحمتکشان آواره

آگاهیه میان آوارگان و سازماندهی مبارزات آنان حول زمینه های فوق، بگوئیم این جنبش را بسوی جنبشی سازمان یافته و انقلابی علیه رژیم حاکم هدایت کنیم و این جنبش را به جنبش سراسری تمام توده های زحمتکش ایران علیه هیات حاکمه تبدیل نمائیم.

را به اوج خود رساند و شروع به تظاهرات نمودند کمپ یکسره در طوفان حرکت توده های آواره، به تلاطم درآمده بود. زحمتکشان شعار می دادند: "نان، مسکن، آزادی، شعار رهسرتار را"، "آوارگان متحد در کمپ B می مانند"، "ما به جیرفت نمیرسیم، این آخرین کلام است"، "آواره آواره، آزادی میخواهد، آواره، آواره جا و مکان میخواهد"، "مسکن، بهداشت حق مسلم ماست" تظاهرات کنندگان با شعارهای بالا چندین بار در کمپ چرخیده و ۴۸ ساعت به رژیم وقت میدهند که غذای آنان را داده و دیگر حرفی از انتقال به میان نیاورد و تظاهرات پایان میگیرد اما این تازه آغاز غلایان توده های زحمتکش آواره بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و مزدورانش میباشد.

● شیراز

در تاریخ ۵۹/۸/۲۳ در خوابگاه ۲۱ که عده ای از آوارگان در آنجا اسکان داده شده اند هنگامی که آنها به علت اینکه غذا کم بوده و به عده ای سرسیده بود، آوارگان دست به اعتراض گسترده زدند. بلافاصله از طرف استانداری نماینده ای آمده و آنها را دعوت به آرامش میکنند و تمام تقصیر را گردن آشیزمیاندازد. توده های جنگ زده فریاد میزنند که "اینرا بدانید که همه از این وضع به تنگ آمده اند و اگر حرفی بزنیم یا از اینجا اخراج میشویم و یا دستگیر می کنند". آری، رژیم ناتوانی خود را در پاسخ به خواست توده های جنگ زده ها را به آوارگان نشان داده و بقایای خود را در سرکوب مبارزات برحق آنان می بینند.

۵۹/۸/۲۲ - معاون استانداری برای رسیدگی به خواسته های آوارگان اسکان داده شده در "صنایع" آمده و با حرفهایی مانند "شما نباید به ما فشار بیاورید، ما تنها شهری هستیم که شما را قبول کرده ایم..." سعی میکند اذهان آوارگان را در مورد خواسته هایشان منحرف کند، اما یکی از زنان زحمتکش با فریاد خود مدح آقای معاون را بازمیکند و میگوید: "ما این چیزها سرماسان نمیشود، دولتی که جنگ را راه انداخته باسد خودش هم مسئول گرفتاریهایش باشد، اگر شما مثل ما زندگی میکردید برای ما مسئله ای نبود ولی حال شما و خلیجیهای دیگر راحت زندگی می کنید و ما باید برای یک تکدن و ۲ قاشق ماست و ۲ دانه خرما مدت ها توی صف بایستیم" و زحمتکشان با اعتراضات خود فرصت ادامه صحبت به معاون نمیدهند.

*

اینجا جلوه هایی از مبارزات آوارگان جنگ میباشد. این مبارزات هنوز سر آغاز حرکت آنان است. این امری مسلم است که آوارگان برای کسب حقوق خود دست به مبارزه گسترده تر خواهند زد و آوارگان بیش از پیش درمی یابند که

بقیه در صفحه ۳

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

بقیه از صفحه ۱ تیریک به امام...

فالانها که جا خورده بودند فوراً خود را به زن شاعر رهنده رسانده و وقتی با چهره غضب آلود وی روبرو میشوند، خواهش میکنند که از این شاعران بگذرند.

چگونه ممکن است توده های زحمتکش از جنایات رژیم سرما به داران به خشم نیایند؟ چگونه ممکن است مادریکه فرزندش قربانی جنگ سرما به داران شده به اعتراض کشیده نشود؟ توده ها حق دارند که علیه این رژیم ضد مردمی اعتراض کنند، حق دارند که بگویند این رژیم را نمیخواهند، حق دارند که بگویند جنگ برای این رژیم جمهوری اسلامی باید! و حق دارند که بگویند زنده باد آزادی!

بقیه از صفحه ۱ جنگ توهم...

طرفداران رژیم. مادران نوا ده زنی است کارگر که بزرگ خانوادهاست. یک پسرش در "بیج" است و دو پسرش پادشاه، یکی از پسران وی در جبهه کشته شده است. و این حادثه ضربهای بود که کمی واقعیتها را برای این زن زحمتکش روشن نمود. او فریاد میزد و به رژیمش سزا میگفت. او با ناله ها و شیون میگفت: "جنگ را تمام کنید، چه قدر میخوابید مردم را به خاک سیاه بینشانید."

فردای آنروز از طریق کمیته مقداری پتو و وسایل دیگر برای این زن رنج دیده آوردند و او بسیار وجودش را زانو و بالگده را از زحمت بد اخلاص کوچریخت و با گریه فریاد میزد: "خجالت بکشید من اینها را میخواهم چکار کنم، یک قطره خون پسر من از هزارتای اینها بیشتر ارزش دارد چون کندی تا بچه بزرگ کردم، پسر بزرگ کردم کسسه درپیری عسای دستم با شدا لاکو و پراهم غذا و پتو میآورید! آبی شرافتها، حالا هم خودم کار میکنم از با زویم میخورم و صدقه شما را نمیخواهم شب هنگام در صحبت خصوصی گفت که: "کمونیست ها راست میگفتند، اینها همگی پدر سوخته اند مگر قطب زاده را نمیگفتند؟ مگر امیرا نظام را نمیگفتند؟ هرچی گفتند درست از آب درآمد! آری توده ها با لمس واقعیتها توهمشان میریزد و در میان بند که کمونیستها هر چه میگویند راست است میگویند چرا که قلب کمونیستها بجز برای رهایی زحمتکشان نمیضبط.

بقیه از صفحه ۴ یک زحمتکش...

کرد که او را هم جنگ از دست گرفت. پسر ما هزار چون کردن خانه کوچکی در آبادان برای خودش جور کرده بود که جنگ آنرا هم برباد داد. هرچی گرفتاری هست بر سر ما میبارد، اینها زکرامت شاه که جنگ آنرا هم بخاک و خون کشیده است. این حاجیه های با زار که هر کدام چند تا خانه دارند شده که بیایند مردم محتاج را توی یکی از خانه ها بپوشانند و بر سر آنها دروینچه ها بپاشند و قفل

سرکوب و تفتیش عقاید و دستگیری در مناطق جنگی ادامه دارد

نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی، پیگردنیروهای انقلابی و کمونیست را در مناطق جنگی تشدید کرده تا از رسیدن اخبار واقعیتی جنگ و افشای ویرانگریهای جنگ ارتجاعی جلوگیری نماید. ظهر ۵۹/۸/۲۵ رادیو آبادان طی اطلاعیه ای این نیروهای سیاسی را تهدید کرد که ظرف ۲۴ ساعت شهر را ترک کنند و الا آنها طبق مقررات جنگ رفتار خواهد شد. و نیز از مردم خواسته شده که به پیچوجا ناشیخانه خود را به خارج از شهر حمل نکنند و "کارکنان ادارات موظفند کارت شناسایی زمان جنگ همراه داشته باشند". رژیم بنیادنا را مگر ریزی، مزدورانش را به خانه های مردم میفرستد و با سئوالا ت ریز و درشت سعی میکند به هویت سیاسی آنان بی برود. آیا این شیوه های سرکوبگرانه خواهد توانست نیروهای انقلابی را پراکنده و رژیم را به هدف های ارتجاعی اش برساند؟ نه! هرگز!

کمکهای مردم به

جنگ زده ها، بدست مردم نیازمند مناطق جنگی نمی رسد

ندارد "یک تکا و ربا شنیدن این حرفها عیبانی شد و گفت: "حیف که گروه های سیاسی اینجاست نیستند که این چیزها را در نشریاتشان "کسار و پیکار" بنویسند". اما توده ها به ما زمانهای کمونیستی بطور روزافزون اعتماد پیدا میکنند و برای افشای بیشتر جنایات رژیم، آنها را از کم و کیف عملکرد ارتجاعی و عوامالش آگاه میسازند.

اصفهان: اهانت به آوارگان جنگ ادامه دارد

رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف با وحشت از اوگیری جنبش ترمضی آوارگان جنگ زده و پشتیبانی توده های زحمتکش از آنها مجبور به تغییر در سیاست خود نسبت به آوارگان شده ولی با زهم به لجن پراکنی علیه توده های جنگ زده ادامه میدهد. در هفته گذشته "رادیو اصفهان" طی اطلاعیه ای وقیحاته اظهار میدارد که جوانان خوزستانی چنگ زده که به اصفهان آمده اند "جاقوکی" مشغولند و زنان خوزستانی نیز "نیمه عریان" در شهر ظاهر میگرددند. با پخش این مطلب توده های جنگ زده در مقابل رادیو تلویزیون اصفهان تجمع میکنند و مسئولین مستاصل شده سعی می کنند با عذرخواهی، خشم آوارگان جنگ را فرو بپاشانند.

نزدیک ظهر پیر مرد گرسنه و بی چیزیه کمیته اوراق "مراجعه کرده و تقاضای غذا نمودا و میگفت چون همه شهر را ترک کرده اند، اشخاصی مثل من "چیزی برای خوردن پیدا نمیکند. مسئول مربوطه به او جواب رد داد. در همین موقع چند "تکا و" که نزدیک محل ایستاده بودند، با اعتراض علت را پرسیده و اضافه کردند: "اینهمه کمکی که از مردم مناطق دیگر میسر شده میشود؛ مگر مال این جنگ زده ها نیست؟" مسئولین کمیته اوراق در جواب گفتند "ما به کسی غذا میدیم که حواله داده شده باشد و

کرده اند و بجای امن تر رفته اند در حالیکه جنگ زده های قصر شیرین در "سراب نیلوفر" یا شهرک "آنا هیتا" داخل آنها رتانه های بی در و بیگوش تا صبح میلرزند. با این بی پولی مجبورند که بجای ۵ تومان ۵۰ تومان خرج کنند البته اگر داشته باشند (که اغلب ندارند). اما بولدا را در رختخوابهای گرانقیمت و طاقهای گرم میخوابانند و جوانهای ما را میفرستند دم توب که کشته شوند.

آری از زحمتکشان در میان بند که گوشت دم توب سرما به داران هستند و این جنگ تنها و تنها به نفع سرما به داران تمام میشود.

جنگ برای توده های ایران و عراق فقط فلاکت و بدبختی ببار میآورد

پای صحبت یک سرباز

بقیه از صفحه ۱

آهن بود و به هزینه زندگیمان کمک بسیار میکرد ولی در اثر تصادف ناشی از کار دستش را از دست داد و مصیبت ما دوچندان شد. در واقع کودکمی ندیدم. از اول با بد نقش مرد را بازی میکردم و وقت سربا زیم رسید. طبق قرعه معاف شدم ولی در مقابل چشمانم مرا بجای پشتریک شروتمندجا زدند. اکثر سرباهای منقذی خدمت ۵۶ را هم بچه‌های امثال من تشکیل میدهند و از خانواده‌های "بی چیز" میباشند. حال اتوی جنگ هم امثال من کشته میشوند. این جنگ اصلاً بفتح ما نیست ولی ما مجبوریم که آمده ایم. دولت ادعای طرفداری از زحمتکشان میکند ولی میبینیم که بر سر خا نواده بی سرپرست چه ما ورد. "او میگفت: دوست عزیز خواهش میکنم اگر من کشته شدم و تو خبردار شدی نگذار جنازه من در دست اینها بیفتد. مرا به شهر خودم ببر و اگر بچه‌ها هم نمرده و بزرگ شدند به آنها وصیت مرا بگو. بگو که پدرتان بخاطر خود و مردم بلکه بخاطر پولدارها و اربابها و آنهم جبار به جبهه رفت. بگو اگر منمیرم تم نمیتوانستم زندگی کنم. این سربا زحمتکش که یک کارگر بود بیطویر ز مملو سی دردهای زندگی طبقاتی را با زگو میکرد در درها شیکه با رها و بارها رنج آنها را حس کرده و تحمل نموده بود. دور نیست که این دردها بسیار آگاه طبقاتی در هم آمیزد و طوفانی دگر برپا کند. با میدانم روز سرخ!

"یکی از یادگاران ای آذربایجان"

مداح دور رژیم و فریب توده‌ها

شادگان (۸)

در تاریخ ۲۵ آبان ماه فخرالدین حبیبی مداح رژیم شاه و شتگوی جمهوری اسلامی برای ۵۵ نفر که با تبلیغات فراوان به "جهاد سازندگی" شادگان "کشانیده بودند صحبت میکرد پس از اینکه حبیبی مرتجع آنجا را با "مکه معظمه" مقایسه کرد، شروع به عوامفریبی کرد و وها ایده افشاگران و آگاهی بخش را تحت عنوان تبلیغات "ستون پنجم" مورد حمله قرار داد. او عربده میکشید که: "شما پشت جبهه هستید هر کس گفت جیره غذایی نیست (یعنی آنچرا که

رژیم کارگران را اجباراً زیر گلوله و بمب نگهداشته است

با اینکه با لاینگاه چنان آسیب دیده‌کسه بسیاری از متخمین امید چندان به ترمیم دوباره آن ندارند. ولی رژیم همچنان کارگران را مجبور به اقامت در مناطق جنگی و بیوزنه آبادان مینماید و حضوراً غلبه آنها را "الزامی" علام می کند تا به راحتی و با انکار به "قوانین" سرمایه

رژیم

از کمونیست‌ها وحشت دارد

در جریان درگیری آوارگان با پاسداران مرتجع رژیم در شاه‌جراح شیراز، عده‌ای از آوارگان دستگیر شدند که یکی از آنها کارگر شرکت نفت آبادان میباشد که سه روز در بازداشت بسر برده و در طی این سه روز شکنجه شده و بشیوه ساواک مراسم اعدام نمایشی برایش ترتیب داد می‌دهند. رژیم که در همه جا ترس و وحشت خود را از نیروهای انقلابی و بیوزنه کمونیست‌ها نشان داده و میدهد، برای شناسائی این کارگر چندی پسین مزد و رخصت را با صورتهای پوشیده به سراغ وی فرستاده است و وقتی مطمئن شده‌اند که سیاسی نیست، آزادش نمودند. رژیم حق دارد از انقلابیون و کمونیست‌ها بترسد، زیرا اینان کسه طرفدار توده‌ها و مدافع آنان می باشند، دشمن این رژیم ضد مردمی هستند. کمونیست‌ها و انقلابیون دشمن این رژیم می باشند، زیرا این رژیم دشمن نفرت انگیز توده‌های زحمتکش میهن ماست.

هر روز به چشم میبینید (تا یعه ما راست دستش را بگیرد و ما تحویل دهیم تا حساباً بشمارا برسیم که آنها وطن فروش و خائن هستند) "افریا دگوش" خراش سر میدا ده توده‌ها! میارزه نکنید! اگر غذا و مسکن نیست، دم زنید! اگر جنگ شما را آواره شهرها و بیابانها کرده "گفر نکوبید" جنگ جنگ حسین و یزید است. "بیا بید بروید جیرفت" و اینجا ها را تخلیه کنید تا مثل یک زندانی از جا معده بریده شوید و با دتا ن برود که زمانی کلیه محقری داشتید و جنگی توسط دور رژیم ارتجاعی دامس زده شد و شما را بی خانمان و بی آشیان کرد! ولی آیا این عربده جوییها تا به حال برای رژیم سودی داشته است و با نده زه توک سوزن توانسته در ارا ده پولادین زحمتکشان خلیل وارد آورد ؟ آنها ره زبر و زکا هتر می‌شوند و تنقیرا ترا از رژیم بمبارزه تبدیل میکند.

ندای آواره

"ندای آواره"، شماره یک، از انتشارات کمیته افغان سازمان پیکار، بدست ما رسید. رفقای کمیته افغان! موفقیت شمار را در راه رهپائی زحمتکشان آرزو میکنیم.

یک زحمتکش کرمانشاهی از جنگ میگوید و دردها پیش

"آقا دست رو دلم نگذار که خون است، این جنگ وضع ما را خرابتر کرده و هیچی برایمان نماند جز بدبختی، خواهریجا را ما لها زحمت کشیده تا کلبه‌ای در قصر شیرین برای خودش دست و پا

بقیه در صفحه ۳

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست